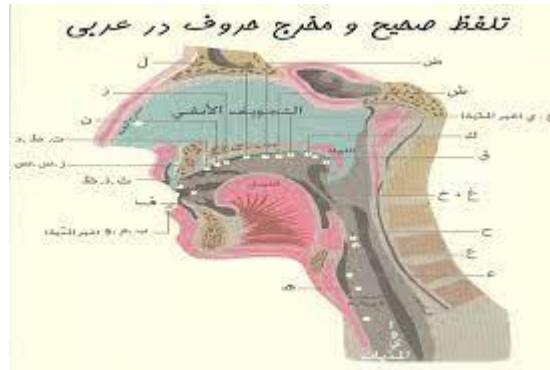


تجوید



محمد تقی صرفی پور



فهرست:

مقدمه

آشنایی با علم تجوید

صفات حروف

مخارج حروف

تغلیظ و ترقیق لام

مد

وقف

رمزها

اخفاء

اقلاب

اظهار

استعلاء و استفال

سکت

ادغام

احکام تنوین و نون ساکنه

اشباع

التقاء ساکنین

حروف شمسی و قمری

احکام همزه

روش های تلاوت قرآن کریم

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طاهرینش.

جلوه هایی از عظمت قرآن کریم

خداوند انسان را برای رسیدن به معرفت و در نتیجه رسیدن به سعادت جاودانه خلق کرد و برای هدایت او در مسیر صحیح، کتابهای آسمانی را نازل و پیامبران را مبعوث نمود.

در میان کتابهای آسمانی که بعضی از دانشمندان آنها را بیش از صد کتاب ذکر کرده اند، قرآن کریم به عنوان کاملترین و جامع ترین و سالم ترین کتاب آسمانی می باشد.

قرآن کریم قانون اساسی مسلمانان است که هرچه بشر تا روز قیامت از جهت هدایت نیاز دارد در این کتاب آورده شده است.

از جمله مهمترین مطالب قرآن کریم، معرفی صفات جمال و جلال الهی است. خداوند سبحان خود را در این کتاب، معرفی نموده است. تا بشریت بتواند خالق خود را درست بشناسد و از اشتباه در خداشناسی مصونیت یابد.

همچنین درباره جهان آخرت بیش از هزار آیه وجود دارد. که بخوبی در باره عاقبت و سرنوشت بشریت در جهان دیگر از ابتدای مرگ تا عالم برزخ سپس برپایی دادگاه عظیم الهی و صدور حکم قبولی یا مردودی برای انسان ها سخن گفته است.

بخشی از این کتاب همیشه معجزه، درباره بایدها و نبایدهایی است که انسان در زندگی خود اگر مراعات کند قبول خواهد شد، می باشد.

وقسمتی از قرآن کریم درباره شناخت دشمنان بشریت از جمله شیطان و نفس اماره و طاغوت ها می باشد.

وبخش مهمی از قرآن کریم درباره سرنوشت اقوام و ملت‌هایی است که در طول تاریخ تا قبل از بعثت آخرین پیامبر ص می زیسته اند وبخاطر مخالفت با پیامبران ،دچار عذاب دردناک شده اند می باشد.

یکی از موضوعات قرآنی، مسئله جایگاه و ارزش قرآن کریم می باشد. خداوند از این کتاب خود با صفاتی چون نور و کریم و مبین و مجید نامبرده واز آن تعریف نموده است.

یکی از مسائل مهم درباره عظمت وبزرگی قرآن کریم، می باشد.

از جمله جلوه ها ومصادیق عظمت وکرامت قرآن کریم :

1-نباید قرآن را بی طهارت مس نمود. کافر نمی تواند صاحب قرآن باشد. زن عذر دار ومرد جنب نمی تواند قرآن را مس کند. اما بقیه کتابهایی که در دست بشر است این شرط را ندارد.

2-همه علوم ائمه از قرآن نشأت گرفته وآصف بن برخیا به این خاطر توانست تخت بلقیس را در یک چشم بهم زدن جابجا کند زیرا قسمتی از کتاب الهی را بلد بود. وامام جواد هفت ساله همه دانشمندان را منکوب کرد وبه سی هزار سوال جواب داد چون علمش از قرآن بود.

3- قرآن تنها کتابی است که خداوند حفظ او را تضمین کرده است :

انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون

هرچه دشمنان تلاش کردند با انواع وسایل از جمله نوشتن آیات شیطانی ویا چاپ کتاب قرآن قرن بیست ویک ویا ساختن آیاتی شبیه آیات قرآن ویا نوشتن کتابهای فراوانی علیه قرآن،ضربه وضرری به این کتاب بزنند نتوانستند وقرآن نوری است که روزبروز فروزان تر شده وهمچنان باعث هدایت متقین است.

4- قرآن هم عرض اهل بیت است یعنی قرآن هم وزن 14 معصوم است.لذا به امام عصر می گوئیم السلام علیک یا شریک القرآن.

پس باید همان احترامی که برای اهل بیت داریم برای قرآن داشته باشیم.قرآن مساوی اهل بیت است واحترام او کمتر از احترام به اهل بیت نباید باشد

5-عظمت ماه رمضان بخاطر شب قدر است وعظمت شب قدر برای نزول قرآن کریم در این شب است.یعنی این همه عظمتی که برای ماه مبارک رمضان وشب قدر ذکر شده بخاطر نزول قرآن دراین شب است.ویکی از علل وجوب روزه رمضان ،آنست که با روزه گرفتن آمادگی معنوی برای درک شب قدر وشب نزول قرآن پیدا نمائیم.

پاییز 94-کرمانشاه

تجوید چیست؟

آشنایی با علم تجوید:

تعریف: تجوید در لغت به معنای « تحسین-حسن بخشیدن-تکمیل-نیکو گردانیدن » آمده است. با رعایت قواعد تجوید قرآن، آیات الهی زیباتر، شایسته تر و نیکوتر تلاوت خواهند شد.

تجوید در اصطلاح قرائت عبارت است از: « اداء حرف از مخرجش همراه با اعطاء حق و مستحق آن حرف ». حق حرف عبارت است از صفات لازمه ی آن حرف و یا ویژگی های حرف در حال انفراد مانند صفت استعلاء، استفال، قلقله، غنه، لین.

مستحق حرف عبارت است از احکامی که از صفات لازمه ی حرف ناشی می شوند یا « ویژگیهای حرف در حال ترکیب در کلمه » مانند تفخیم، ترقیق، ادغام، مد.

صفات و ویژگیهای حروف

کلمه «صفت» یعنی «حالت شیء»

صفات یک حرف عبارتند از: حالات مختلفی که حرف در هنگام تولید پیدا می کند. مثل سختی، نرمی، سستی و...

برای قاریان قرآن کریم، شناخت صفات حروف از ضروریات تلاوت است. با رعایت این صفات، «حق» هر حرف به خوبی اداء شده و حروف دقیقا از یکدیگر متمایز می گردند. ما، تنها، به چند صفت از مهمترین و کاربردی ترین صفات حروف اشاره می کنیم.

استعلاء و استفال

این مبحث در واقع بخشی از «کلید سوم لهجه عرب» بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است.

صفت استعلاء

لغت «استعلاء» به معنای «برتری طلبی - میل به بلندی» و در اصطلاح تجویدی، عبارت است از:

میل ریشه زبان به سوی سقف دهان در هنگام تلفظ حرف. در اثر این صفت حرف حالت پرحجم و درشتی به خود می گیرد که به این حالت «تفخیم» می گویند. پس: حروف استعلاء باید با صدای پرحجم و درشت تلفظ شوند.

حروف استعلاء هفت حرفند که عبارتند از:

ص - ض - ط - ظ -

خ - غ

ق

چهار حرف اول یعنی «ص - ض - ط - ظ» از سه حرف باقی مانده درشت تر و قوی ترند. مثال:

صدق - صالحین - ضرب - ضالین - طبقا - طاهرین - ظلموا - ظاهرین - خرجوا - خالدين - غفور -
غافرین - قتلوا - قال

صفت استفال

صفت «استفال» به معنای «پایین آمدن - پست شدن» و در اصطلاح تجویدی عبارتست از:

پایین آمدن ریشه زبان و دور شدن آن از کام بالادر اثر ضعف اسنفال، حروف به حالت «ترقیق» یعنی با صدای نازک و کم حجم تلفظ می شوند. به غیر از حروف استعلاء، بقیه حروف دارای صفت استفال هستند. باید دقت کرد که درشتی حروف استعلاء در کلمات، بر تلفظ حروف استفال قبل و بعد آنها، تاثیر نگذارد (مهم).

مثال: کتاب - کافرون - جاء - یشاء - عاملون - والدین - حادون - بعثنا - ذاکرون - هادی - هدی -
ساء - فاطر - ماعون - ثلاث و...

قلقله - لین

صفت قلقله

کلمه «قلقله» به معنای «اضطراب - بی قراری - تکان خوردن» و در تجوید عبارت است از:

حرکت مختصر حروف ساکن

صفت قلقله مخصوص 5 حرف «ق-ظ-ب-ج-د» می باشد که در عبارت «قطب جد» جمع شده اند.

این حروف هرگاه ساکن شوند، چه در وسط کلمه و چه در آخر (هنگام وقف)، قلقله می گیرند؛ یعنی باید مختصری حرکت پیدا کنند.

اگر صفت قلقله در حروف «قطب جد» رعایت نگردد، صدای این حروف در هنگام سکون در مخرجشان محبوس شده و به گوش نخواهد رسید. لذا با «رها کردن» صدای این حروف، مشکل حل می شود.

دونکته مهم

1- باید دقت کرد که قلقله به حرکت کامل (فتحه و کسره و ضمه) تبدیل نگردد.

2- در 23 حرف باقی مانده، باید کمال دقت را بنمایید که در موقع سکون به هیچ وجه قلقله نگیرند (بسیار مهم).

مثال حروف قلقله: اقبل - اطراف - ابراهیم - اجر موا - حمید

صفت لین

«لین» به معنای «نرمی - ضد خشونت» و در تجوید عبارت است از:

به نرمی اداء شدن حرف

این صفت، مخصوص دو حرف «واو ساکنه ی ماقبل، مفتوح و یاء ساکنه ی ماقبل، مفتوح» است. مثال: خوف - قوم - یوما - عصوا - بیت - الیک - شیء

تمرینات:

1- در کلمات زیر چند مورد از صفات استعلاء، استفال، قلقله و لین وجود دارد؟ مشخص کنید.

صلاه - میسورا - یومئذ - غائبین - مجریها - حقا - صیف - اطعم - حفیظا

2- سوره عادیات را قرائت و موارد قلقله را مشخص کنید.

3- موارد صفت لین را در سوره قریش مشخص کنید.

مخارج حروف

مخارج حروف

جایگاهی که حرف از آن تلفظ می شود مخرج آن حرف است .

مخارج حروف به طور کلی عبارتند از :

1 حروف حلقی (گلو) :شش حرف از حلق ادا می شود

الف) انتهای حلق (اقصى الحلق) : أ ، ه

ب) میان حلق (وسط الحلق) : ح ، ع

ج) ابتدای حلق (ادنى الحلق) : غ ، خ

2 شفوی: چهار حرف (ب ، و ، ف ، م) را که مخرج آن ها از لب است «حروف شفوی» می گویند.

3 فمی: هجده حرف دیگر که از فضای دهان گفته می شود فمی (دهانی) گویند بعضی از اول ، بعضی از وسط و بعضی از آخر دهان گفته می شوند.

برای شناسایی مخرج هر حرف کافی است به حرف مورد نظر همزه اضافه کنیم و تلفظ نمائیم مانند ث ← أث د ← أد ص ← أص و ...

4 حروف خیشوم: این حروف از بینی

و فضای دهان ادا می شوند و عبارتند از نون و میم ساکنه .

تذکر برای تلفظ صحیح هر حرف و شناختن مخرج آن

می توان همزه مفتوحی بر سر آن حرف در حالی که

ساکن باشد در آورد و تلفظ نمود مانند آخ آغ از آل

لب	دندان	دهان	حلق
ب ف	ث	ذ ج ص ک ل ض	ق خ غ ح ع ء ه
م و	ا	ز س ت د ر ش ن ی ط ظ	

تذکر مهم : در بعضی موارد اگر مخارج حروف رعایت نشود مُخل نماز و قرآن خواندن است زیرا معنای کلمه عوض می شود. مانند حلال و هلال ، عَلیم و آلیم ، سمد و صمد

تمرینات:

1- برای تمرین بیشتر کلمات زیر را با توجه کامل به مخارج حروف (متفاوت با فارسی) تلفظ کنید.

ثلاث-محبه-قصص-عذاب غليظ-صراط مستقيم-واحد-ولا يغتب بعضكم بعضا-مشارك

2-سوره حمد را بارعايت تلفظ صحيح ومخارج حروف تمرين كنيد.

مَدّ :

یعنی کشیدن و در اصطلاح تجوید ، کشش صوت است.

قاعده مد :

اگر صداهای آ ، ای ، اُو به سبب مدّ یعنی همزه (ء) ، سکون (°) و تشدید (ّ) برسد برای زیبا سازی قرائت صدای مد کمی طولانی تر خوانده می شود . و علامت آن ~ است.

انواع مدّ :

مدّ متصل : مدّی که صدا و سبب مدّ در یک کلمه باشد . مانند : ماء ، سماء

مدّ منفصل : مدّی که صدا و سبب مد در دو کلمه باشد . مانند :

بِمَا نَزَلَ ، فِی أَنْفُسِهِمْ

مدّ عارضی : مدّی است که بعد از حرف مد ، حرف ساکنی واقع شود که سکون آن به سبب وقف یا ادغام ، یا پایان آیه عارض شده باشد.

مثال :

مد به سبب وقف : أَلْبَابُ - یُؤْمِنُونَ - نَسْتَعِينُ

مد به سبب ادغام : قَالَ لَهُمْ - سَيَقُولُ لَكَ - فِيهِ هَدًى

تمرینات:

1-سوره نمل را از ایه 82 تا آخر ایه 88 تلاوت کرده و موارد مد را رعایت کنید.

2-نوع مد در کلمات زیر را مشخص کنید.

تکذبان-فی حکمه احدا-اولئک-یره احد-یشاء

وقف :

وقف یعنی ایستادن ، توقف کردن و در نگ کردن و در اصطلاح تجوید جداساختن کلمه از مابعد آن است و ضد آن وصل است و میانه وقف و وصل سکت می باشد .

اکنون باید به دو سوال پاسخ داد .

الف) : کجا وقف کنیم ؟

●1- آخر آیه محل وقف است .

●2- بر سر رموز سبھاوندی وقف می کنیم.

برای وقف و یا اتصال علامتهایی تعیین شده است از جمله:

- م وقف لازم یعنی 100٪ وقف شود.
- ط وقف مطلق یعنی 80٪ وقف شود .
- ج وقف جایز یعنی 60٪ وقف شود.
- ز وقف مُجَوِّز یعنی 50٪ وقف شود .
- ص وقف مرخص (رخصت) 40٪ وقف شود .
- لا وقف نشود بلکه لازم است حتماً وصل شود .

تبصره :

علائم دیگری نیز وجود دارد مانند قلی ، صلی

قلی : وقف اولی است.

صلی : وصل اولی است.

●3- بر سر کلمات : ثَمَّ ، فَ ، أَوْ ، حتی می توان وقف نمود.

ب) چگونه وقف کنیم ؟

1- صداهای کوتاه به سکون تبدیل می شود : _____

مثال : کِتَابُ ← کتاب

2- صداهای بلند در وقف و وصل یکسان است. ا ای اُ اُو

مثال : قالُوا اَلینا کِتَابی

●3- تنوین های _____ به سکون وقف می شوند.

مثال : شیءٌ ← شی کِتَابٌ ← کِتَاب

●4- تنوین _____ به « آ » وقف می شود. کِتَاباً ← کِتَابَا

●5- هَ با هر علامتی که باشد به ه ساکن وقف می شود. صلوةٌ ← صلوه

رمزها

قسمت اول :

وقف یعنی باز ایستادن از قرائت بخاطر نفس کشیدن و غیره .

حکم وقفی در آخر کلمه بستگی به ارتباط لفظی و معنوی

با کلمه بعدی دارد که یکی از چهار حالت را پیدا می کند:

1- اینکه هیچگونه ارتباطی با کلمه بعدی نداشته باشد که

(وقف تام) نامیده می شود مانند إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

2-اینکه تنها ارتباط معنوی داشته باشد (وقف کافی) مانند وَ

مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ- با - وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

3- اینکه فقط ارتباط لفظی داشته باشد (وقف حسن) مانند

الْحَمْدُ لِلَّهِ - با - رَبِّ الْعَالَمِينَ که در این سه صورت وقف

صحیح است.

4- اینکه هم ارتباط لفظی و هم معنوی داشته باشد که در این

صورت (وقف قبیح) است مانند وَالَّذِينَ - با - يُؤْمِنُونَ

تذکر: اگر هنگام تلاوت قرآن نفس کافی نبود که جمله را به

آخر یا محلی که وقف بر آن صحیح باشد برساند وقف نمود

(وقف اضطراری) نامیده می شود که پس از تجدید نفس آن

جمله یا کلمه ای که بر آن وقف شده باید تکرار نمود مانند

وقف اضطراری و (هُمْ) وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ.

رمزهای وقف

بنا بر وقف های مذکور رموزی که در آخر بعضی کلمات در

قرآن گذاشته شده بدین قرار است

1- (م) بمعنی وقف لازم که اگر وقف نشود موجب فسادمعنی

می شود مانند آخر آیه هفتم از سوره حشر وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

شَدِيدُ الْعِقَابِ م (7) لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

2- (ط) = وقف مطلق که وقف بر آن خوب است نزد همه

قراء و در موارد وقف تام می باشد و تفاوتش با رمز قبلی آنست

که اگر وقف هم نشود در معنی فساد می پدید نمی آید

3- (ج) = وقف جایز که وقف بر آن بهتر است 4- (ز) =

وقف مُجَوِّز که وقف نکردن بهتر است 5- (ص) = وقف

مُرَخَّص در موردی است که آیه طولانی باشد و نفس برای

تلاوت تا آخر آیه و یا محل مجاز وقف نرسد به کلمه ای که

(ص) روی آن گذاشته شده می توان وقف نمود که اگر بتوان

وقف ننمود بهتر است البته این غیر از وقف اضطراری است

6- (لا) = وقف جایز نیست که اگر وقف شود معنی فاسد می

شود و در مورد وقف قبیح می باشد

تذکر : علاوه بر شش رمز یاد شده که رموز (سَجَاوَنْدی) نام

دارد رموز دیگری هم هست که یادآور می شویم

7- (ک) = کذلک (همچنین) یعنی هر حکمی که برای کلمه

قبلی از رموز وقف بوده برای این کلمه نیز هست

8- (قف) = م

9- (قلی) = وقف اولی و بهتر می باشد = ج

10- (قفه)

11- (س)

12- (سکته) هر سه بمعنی آنکه اندک توقفی باید کرد بدون قطع

نفس که اگر نفس قطع شود باید بلافاصله جمله بعدی خوانده

شود و یا از قبل اعاده گردد.

13- (ق) قیل یعنی بنظر بعضی قراء باید وقف شود و اتفاقی

نیست

14- (قلا) بنظر بعضی از قراء نباید وقف شود 15- (صل)

وصل کن یعنی نباید وقف شود = لا 16- (جه) یعنی وجهی

برای وقف نیست پس باید به وصل خواند

17- (صلی) الوصل اولی = ز

18- (معا) (سه نقطه) سه نقطه (مُعَانَقَه و

معنی آن این است که اگر در اولی وقف شود در دومی

نباید وقف کرد مانند

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَآرِيبَ **سه نقطه** فِيهِ **سه نقطه** هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

که اگر بعد از لَآرِيبَ وقف شود بعد از فِيهِ دیگر نباید

وقف نمود.

رموز غیر وقف

رموز مختلف دیگر که مربوط به وقف نیست

1- (بم) و (ب م) در مورد قلب به میم می باشد

2- (ن) علامت اظهار نون می باشد

3- (ّ) رمز ادغام در یرملون می باشد و این تشدید روی

حرف اول کلمه وقتی صحیح و مجاز است که روی نون

قبل از آن علامت سکون گذاشته نشده باشد مانند یَکُن لَهُ

4- (ف) بمعنی اخفاء می باشد که توضیح این موارد در

قاعده دهم گفته شد.

تذکر : (ع) بمعنی رکوع می باشد

که چون از زمان خلیفه دوم در بین عامّه معمول شده که ماه

مبارک رمضان هر شب یکصد رکعت نماز نافله (تراویح) به

جماعت بخوانند (که البته نماز نافله را به جماعت خواندن

از نظر شیعه بدعت است) قرآن را به هزار قسمت تقسیم

نموده و پس از قرائت حمد در هر رکعت $1000/1$ قرآن را

خوانده و به رکوع می روند که با هزار رکعت نماز تمام

قرآن نیز خوانده شده باشد و مبنای تقسیم برای هر قسمت ،

تمام شدن داستان و یاقضیه و یا حکمی بوده است که گاهی

کمتر از ده آیه و گاهی بیشتر از ده آیه می باشد . و برای

همین منظور در بعضی قرآن‌ها در اول هر سوره تعداد رکوع
های آن را ذکر نموده‌اند. پس اینکه بعضی‌ها (ع) را مخفف
عشر بمعنی ده آیه گرفته‌اند و می‌گویند که چون در قرآن
شماره گذاری نبوده و پس از هر ده آیه (ع) می‌گذاشته‌اند
صحیح بنظر نمی‌رسد.

إِخْفَاء

یعنی تلفظ حرف ساکن بدون تشدید با غُنّه بطوریکه نه اظهار
باشد و نه ادغام و بصورت ملایم و خفیه گفته شود و این در

جائی است که تنوین یا نون ساکن به یکی از پانزده حرف باقی

(ج ت ث ذ ز س ش ص ض ط ظ ف ق ک) در یک کلمه

و یا در دو کلمه برخورد نماید مانند أَنْجَيْنَاهُ كُنْتُمْ أَنْثَى مُنْذِرِ

تَنْزِيلٍ مِنْ سِوَاءِ غَفُورٍ شَكُورٍ إِنَّ صَلَوَاتَهُمْ مِّنْ ضَلٍّ مَّقْنَطَرَةٍ

يَنْظُرُونَ فَانْفَلَقَ فَانْقَلَبُوا مُنْكَرٍ كِتَابٍ كَرِيمٍ:

تنوین و نون ساکنه حکمش بدان ای هوشیار کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار

دریرملون ادغام کن درحرف حلق اظهار کن در نزد (با) قلب به میم در ما بقی اخفا بیار

اِقْلَاب

یعنی قلب نون ساکن به میم در برخورد به حرف (ب) خواه

در یک کلمه خواه در دو کلمه باشد مانند یُنْبِتُ ان بُورِکَ

سَمِیعُ بَصِیرٌ که خوانده می شود یُمِیتُ اَمبُورِکَ

سَمِیعُ بَصِیرٌ.

اظہار

(تلفظ حرف از مخرج صحیح خودش غَّه) ہر گاہ تنوین یا نون

ساکنہ برخورد کند بہ یکی از شش حرف حلق (ء ہ ع غ ح

خ) خواہ در یک کلمہ و یا در دو کلمہ باشد نون ساکن آشکارا

گفتہ می شود مانند یَنَآوْنَ یَنہَوْنَ یَنعِقُ یَنحِتَوْنَ فَسَیَنفِضُوْنَ

وَالْمُنْخَفِقَةُ - مِنْ أَحَدٍ إِنْ هُوَ مِنْ عِلْمٍ مِنْ حَسَنَةٍ مِنْ غِلٍّ مِنْ

خَیْرٍ - رَسُوْلٍ أَمِيْنٍ جُرْفٍ هَارٍ سَمِيعٌ عَلِيْمٌ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ عَزِيْزٌ

غَفُورٌ قَوِّمٌ خَصِيْمُونَ.

استعلاء و استفعال

از 28 حرف زبان عربی هفت مستعلیه و 21 حرف مستفله است .

استعلاء :

مصدر باب استفعال به معنای طلب بلندی کردن است و هفت حرف از الفبای زبان عرب را که عبارتند از: « خ - ص - ض - ط - ظ - غ - ق » حروف مستعلیه خوانند زیرا هنگام ادای آنها دهان جمع و صدا میل به بالا پیدا می کند (صوت و زبان میل به کام بالا می کنند و با تفخیم و غلظت تلفظ می شوند)

استفال :

استفاله مصدر باب استفعال وبه معنای پایین آوردن و ضد استعلاء است، 21 حرف بقیه را مستفله گویند. زیرا هنگام تلفظ آن ها صوت به طرف پائین میل کرده و به پستی و نازکی ادا می شوند. دهان باز می شود و صدا میل به پائین پیدا می کند مانند کَانَ ، ماء .

تمرینات:

1- حروف استعلا را نوشته و استعلا را تعریف کنید.

2- استفال چیست؟

3- در آیات زیر حروف استعلا و استفال را مشخص کنید.

اَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ اَمَّنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِِلَيْكَ الْمَصِيرُ 285» لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِثْمًا وَسَعَىٰ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِثْمًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلٰی الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلٰی الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ 286» بقره

سکت : (سکوت آنی)

سکت مشتق از سکوت و عبارتست از قطع صدا و حرکت بدون قطع نفس که حد فاصل بین وقف و وصل است که پس از قطع صوت، ما بعد آن بدون تازه کردن نفس خوانده می شود. و علامت آن «س» است که در بالا یا پایین کلمه مربوطه نگاشته می شود. در قرآن مجید در چهار موضع سکت صورت می گیرد :

الف - آیه اول و دوم سوره ی کهف عِوَجًا قِيمًا

ب - آیه 52 سوره ی یس مِنْ مَرَقَدٍ نَا هَذَا

ج - آیه 27 سوره ی قیمة وَقِيلَ مِنْ رَاقٍ

د - آیه 14 سوره ی مطففین كَلَّا بَلْ رَانَ

ادغام :

ادغام مصدر باب افعال و در لغت کوبیدن دو چیز در هم و در اصطلاح علم تجوید کوبیدن دو حرف در یکدیگر برای سهولت در تلفظ است . بطوریکه اثری از حرف اول باقی نماند و زبان فقط یک مرتبه درمخرج حرف مورد نظر قرار می گیرد و حرف مشدّد تلفظ می گردد.

حرف اول را مدغم (ادغام شده) و دوم را مدغم فيه (ادغام شده در آن) نامند.

در فارسی مانند : یادداشت ، باغ غدیر

اقسام ادغام

الف) متماثلین :

هر گاه دو حرف متماثل (مانند هم) پهلوی هم قرار گیرند. مثل : لَهُمْ مِنْ، فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ، قَدَدْنَا أَجَلِي

ب) متجانسین :

هر گاه دو حرف متجانس یعنی متحدالمخرج و متغایر در صفت پهلوی هم واقع گردند (مثل هم نیستند ولی مخرشان یکی است) در فارسی مثل : بدتر،

در عربی مثل : قَدَّتَبَيْنَ الرُّشْدَ (حروف د - ت)، قَالَتْ طَائِفَةٌ (حروف ت - ط)، اِذْ ظَلَمْتُمْ (ظ - ط)

ج) متقاربین :

چنانچه دو حرف متقارب یعنی قریب المخرج یا قریب الصفت پهلوی هم واقع شوند اعم از آنکه در یک یا دو کلمه باشند ادغام انجام می شود. مانند : آلَمْ نَخْلُقْكُمْ ، اِذْ تَأَذَّنَ لَقَدْ صَرَّفْنَا

تمرینات:

1- ادغام را تعریف کرده مثال بزنید.

2- انواع ادغام را در مثالهای زیر مشخص نمایید.

آلَمْ نَخْلُقْكُمْ - قالت طائفة - قَدَدْنَا أَجَلِي

احکام تنوین و نون ساکن

الف (ادغام :

اگر تنوین و نون ساکن به یکی از حروف (ی ر م ل و ن) برسد ادغام صورت می گیرد.

در حروف (ر ، ل) ادغام کامل یا بلاغنه انجام می شود و در بقیه حروف ادغام ناقص یا باغنه صورت می گیرد. ادغام کامل مانند : مِّن رَّبِّكَ ، ادغام ناقص مانند : صیحه واحده

« باغنه یعنی حرف را از بینی اداکردن و بلاغنه یعنی از بینی کمک نگرفتن »

(ب) اظهار :

اگر تنوین و نون ساکن به حروف حلقی (ء ، ه ، ح ، خ ، ع ، غ) برسد ، نون تنوینی یا نون ساکن کاملاً تلفظ می شوند یا به اصطلاح اظهار صورت می گیرد .

مانند حکیمٌ علیم ، عَذَابٌ أَلیم

(ج) ابدال :

اگر تنوین و نون ساکن به حرف ب برسد نون ساکن یا تنوین به میم تبدیل می شود .

مثل : مِّن بَعْد سَمِیعًا بِصیرا

•(د) اخفاء :

اگر تنوین یا نون ساکن به بقیه حروف رسید (حروف مابقی) نه ادغام می شود و نه اظهار بلکه حالتی بین آندو که آنرا اخفاء گویند .مانند انتم ، کتاب کریم

استاد البشر خواجه نصیر الدین طوسی که درود خداوند بر او باد در رباعی زیر احکام چهار گانه فوق را چنین جمع آوری فرموده است .

تنوین و نون ساکنه حکمش بدان ای هوشیار

کز حکم آن زینت بود اندر کلام

کردگار

در یرملون ادغام کن در حرف حلق اظهار کن

در نزد با قلب به میم درمابقی

اخفا ییار

تمرینات

1- در کلمات زیر نون ساکن چه حکمی دارد؟ بارعایت احکام این کلمات را تلفظ کنید.

ان انتم - عندهم - سمیع بصیر - قنطارا - فمن بدله - منهم - فانبذ - ینفقون - من ضریع - انبتت -
صفا صفا - علیم بذات

2- سوره طور را از آیه 17 تا آخر آیه 28 بخوانید و موارد احکام نون ساکنه و تنوین را رعایت کنید.

8- احکام لفظ جلاله الله

الف (تر قیق : (ر قیق خواندن)

اگر قبل از لفظ جلاله « الله » کسره باشد تر قیق صورت می گیرد یعنی کلام نازک ادا می شود

مانند کلمه بِسْمِ الله ، بالله

ب (تفخیم :

اگر قبل از « الله » ضمه یا فتحه باشد کلمه درشت تلفظ می شود

مانند : مِنْ الله رَسُولُ الله

تبصره :

اصطلاح تفخیم در مورد حرف « را » نیز به کار می رود مشروط بر آن که مفتوح یا ماقبلش مفتوح باشد . مانند رحیم ، ار حم الراحمین

تمرینات

1- کلمات زیر را بارعایت تغلیظ و ترقیق لام جلاله الله بخوانید.

رسول الله - وجه الله - مع الله - تالله - لله - الی الله - ایات الله

2- سوره زمر را از ایه 35 تا 38 بخوانید و موارد تغلیظ و ترقیق لام جلاله الله مشخص کنید.

3- حرف راء در کدام کلمه تفخیم میشود آن را مشخص کنید.

شراب - رسالات - اکرام - مرصدا - رسول - فرقه -

اشباع

اشباع از ماده شبع (سیر شدن و سیر کردن) ضمیر (ه - 4)
که به آخر کلمه اضافه می شود اگر قبل از آن صدای فتحه یا
ضمه باشد (هُو) خوانده می شود و اگر قبل از آن صدای کسره
باشد (هی) خوانده می شود مانند رَسُولُهُ (رَسُولَهُ) رَسُولِهِ
(رَسُولِهِ) و چنانچه پس از ضمیر ساکن یا تشدید باشد به
همان صدای کوتاه خوانده می شود مانند رَسُولُهُ الْأُمِّي رَسُولِهِ
الَّذِي و همچنین اگر حرف قبل از ضمیر ساکن و یا صدای
کشیده اِی اُو داشته باشد ضمیر به همان صدای کوتاه
خوانده می شود مانند مِنْهُ عَلَيْهِ أَنْزَلْنَاهُ فِيهِ الْقُوَّةُ و برای آنکه در
قرائت موارد اشباع مشخص باشد ضمه روی ضمیر را به این
شکل می نویسند و در مواردی که نباید اشباع شود ضمه
را طبق معمول می نویسند.

تمرینات:

1- هاء ضمیر در کلمات زیر را به اشباع بخوانید.

ربه بکلمات -له صاحبه -حکمه احدا -من دونه

2- در کدام کلمه از کلمات زیر هاء ضمیر به اشباع خوانده نمیشود.

به الذین -فله عشر -منه لحما -به ولا -علمه البیان -الیه المصیر

التقاء ساکنین

(برخورد دو ساکن) هرگاه دو کلمه مربوط به هم با هم خوانده شود و آخرین حرف از کلمه اول و آغاز کلمه دوم ساکن باشد برای آنکه بتوان ساکن دوم را تلفظ نمود می بایست سکون اول را بدل به کسره نمود مانند قَالَتْ الْمَلِكَةُ که وقتی خواستیم این دو کلمه را با هم بخوانیم همزه الْمَلِكَةُ که همزه وصل است خوانده نشده و در نتیجه (ت ° - ل °) بهم رسیده

و برای اینکه بتوان دومی را تلفظ کرد اولی را مکسور

می کنیم و می خوانیم قَالَتِ الْمَلَكَةُ ۖ مِثْلُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ

الصَّمَدُ که خوانده می شود أَحَدُنِ اللَّهُ الصَّمَدُ و عَادَ الْمُرْسَلِينَ

که خوانده می شود عَادُنِ الْمُرْسَلِينَ

و تنوین آخر کلمه که در تلفظ نون ساکن می باشد برخورد به

حرف ساکن پس از خود نموده و بخاطر آنکه بتوان حرف

ساکن دوم را تلفظ نمود نون حاصل از تنوین را مکسور

می نمائیم و برای توجه خواننده در چنین مواردی در بعضی

قرآن ها (ن) کوچکی زیر تنوین گذاشته شده مگر در دومورد

1- کلمه (مِنْ) ° که در برخورد به ساکن از فتحه استفاده

می شود مانند مِنَ الَّذِينَ

0 - ضمیر (هُمْ) ° که از ضمه استفاده می شود مانند هُمُ الَّذِينَ .

حروف شمسی و قمری

هر گاه پس از (آل) یکی از چهارده حرف شمسی قرار گرفته باشد (ل) خوانده نشده و بجای سکون آن تشدید روی حرف شمسی گذاشته و بطورمشدد تلفظ می گردد زیرا (ل) همجنس با حرف شمسی فرض و ادغام شده البته (ل) هم نوشته می شود تا فرق باشد بین جائیکه دو حرف ادغام شده واقعا همجنس بوده و جائیکه فرض همجنسی شده باشد مانند الصَّلَوه که (ل) آل از جنس صاد فرض و ادغام شده اینک علت خوانده نشدن حروف والی در جمله لا تَوْتُوَالسَفَهَاءَ و جمله های دیگر

بررسی شود.

احکام همزه

گاهی همزه یکی از حروف (وای) را برای خود پایه قرار می دهد که در اینصورت تنها همزه خوانده می شود و این حروف خوانده نمی شود و صدای قبل از خود را هم

نمی کشند . توضیح آنکه اگر حرکت حرف قبل از همزه فتحه

باشد پایه همزه الف می باشد مانند مَأْوَى تَأْكُلُونَ و اگر ضمه

باشد پایه همزه واو است مَوْذَنٌ مُّؤْمِنٍ و اگر کسره باشد پایه

همزه (ی - ی) است شِئْتَ قُرِئَ

و هر گاه همزه قبل از واو جمع یا واو حرف اصلی کلمه قرار

گرفته باشد صدای کشیده خوانده می شود مانند جَاءُوا يَءُودُهُ و

در این صورت نوشتن همزه روی واو غلط است چرا که لازم

می آید واو هم پایه همزه باشد و هم کشنده صدا و استفاده به دو

منظور از یک حرف غلط است و اگر برای پایه همزه یک واو و

برای کشیدن صدا نیز واو دیگر نوشته شود جمع دو واو غلط

است و اگر همزه روی دندان (ی) نوشته شود چون حرکت

کسره در کار نیست آن هم غلط است مانند رُؤس رُؤوس رُؤوس

رءوس ، جاؤا جاؤوا جاؤوا جاءوا

همزه وصل که به شکل الف در اول کلمه می آید اگر در آغاز
سخن قرار گرفت خوانده می شود ولی اگر وصل به کلمه قبل
از خود شد خوانده نمی شود و نوشته شدن آن بخاطر وقتی
است که از کلمه قبل جدا شود چون پس از همزه ساکن
می باشد و ابتدا به ساکن محال است پس همزه به عنوان وسیله
تلفظ نگهداری می شود مانند اَلْعِلْم - وَالْعِلْم - الله - والله -
إِصْبِر - فَاصْبِر.

در مقابل همزه وصل همزه قطع است که هیچ وقت ساقط نشده
و باید تلفظ شود مانند اِنَّ - إِذَا - أُمُور و همزه صیغه های باب
افعال.

چند نکته:

-1

هرگاه یکی از صداها کشیده اِیْ اُوْ برخورد کند به ساکن یا تشدید پس از خود تبدیل به صدای کوتاه می شود و در نتیجه حروف (وای) که برای کشیدن صدای کوتاه آورده شده از کار افتاده و دیگر کمک صدا نمی باشد مانند عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آيُّهَا النَّاسُ - فِي النَّاسِ - فِي السَّمَاءِ و اما نوشته شدن آن بخاطر موقع فصل (وقف) است که اگر بخواهیم در آخر چنین کلمه ای وقف می کنیم و از کلمه بعد جدایش کنیم باید به همان صدای کشیده که نشانه آن وجود حرف (وای) است وقف نمائیم تا به کلمه و یا صیغه دیگر اشتباه نشود مانند عَمِلُوا که جمع است

واگر بدون واو نوشته شود به مفرد آن عَمِل اشتباه می شود .

-2

هر گاه در آخر کلمه الفی بی صدا و علامت بود الف علامت آن است که آن کلمه جمع است یا واو آخر آن واو جمع است که نوشته می شود ولی هیچ وقت خوانده نمی شود اَنْبِ وَا قَالُوا و بهمین جهت اگر واو حرف اصلی کلمه یا پایه همزه باشد نباید پس از آن الف نوشته شود تا فرق باشد میان واو جمع و واو اصلی کلمه مانند اَتُوا الْيَتَامَى و در کلمه هائی مانند عَدُوّ

ذُو الْعَرْشِ نباید پس از واو الف نوشته شود زیرا واو جزء

کلمه است.

-3

هرگاه صدای کشیده (اُو) برخورد کند به (ل) با هر صدا

وعلامتی که داشته باشد تبدیل به صدای کوتاه ضمه می شود

مانند اُولَـٰءِ هٗ ؕ وَلَـٰٓءِ اُولُۥىٔ ذٰلِكَ اُولٰٓئِیْهِمْ مَّا كَانَتْ تُرَوَّاهُمۡ ۚ وَمَا لَکُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ

بمعنی اول

تمرینات

1- در کدام کلمه همزه خوانده میشود.

یومئذ رب اجعل -ءال یعقوب- کانت امراتی -ان الانسان بریء

2- کلمات زیر را بارعایت کوتاه و کشیده بودن حروف مدی بخوانید.

فی الله -کفروا- رءالقمر -اولاء- له الملك -اطيعو الله

روش های تلاوت قرآن مجید

الف (روش تحقیق

در این روش تلاوت کننده ، با صبر و حوصله و صرف وقت ، آیات را می خواند ، حق هر کلمه را ادا می کند ، مخارج حروف را رعایت می کند ، مد ها را به طور کامل می آورد ، محل های وقف را مراعات می کند ، اشباع های لازم را در نظر می گیرد و در یک کلام حق تلاوت را به جا می آورد .

این روش برای آموزش مناسب است .

ب (روش تحدیر

در این روش تلاوت کننده ، قصدش تند خوانی است ، بنا بر این آیات را سریع می خواند ، مخارج حروف را به طور نسبی رعایت می کند ، مد ها را تا حدودی مراعات می کند ، وقف ها را چندان در نظر نمی گیرد و در یک سخن با عجله قرآن را تلاوت می کند

این روش معمولا در ختم قرآن به کار گرفته می شود

ج (روش تدویر

روش تدویر حالتی بین تحقیق و تحدیر است . در این روش تلاوت کننده ، نه حوصله تحقیق را به کار می بندد و نه سرعت تحدیر را

روش تدویر در تلاوت عادی به کار گرفته می شود

(د) روش تر تیل

تر تیل در لغت یعنی مرتب کردن ، همانند مرتب کردن شتران در یک کاروان برای رسیدن به منزل مورد نظر!!

در این روش تلاوت کننده ، الفاظ کلام الله را به روش تدویر می خواند ولی به معانی و حقایق قرآن نیز توجه دارد هم حق الفاظ و کلمات را ادا می کند و هم در آیات تدبر می کند . اگر به آیات رحمت رسید شادمان می شود و اگر آیات عذاب را تلاوت کرد به خدا پناه می برد ، اگر به یا ایها الذین آمنوا رسید لبیک می گوید و خود را آماده عمل می سازد و در یک سخن خود را مخاطب قرآن می داند. طبیعی است این روش بسیار سازنده و موثر خواهد بود .

تر تیل روش مطلوب قرآن و بهترین روش تلاوت « کلام الله » است . در سوره مزمل چنین می خوانیم :

ورتل القرآن ترتیلا

منابع :

- حلیہ القرآن: قواعد تجوید بروایت حفص از عاصم
 - "روان خوانی و تجوید قرآن کریم" با تجدیدنظر و اضافات
-

کتاب تجوید محمد میر سعیدی